

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی رسمی از منظر اقوام (با تأکید بر منابع هویت ساز)

علی رجبلو^{۱*}، هاله مسعود سینکی^۲، منصوره اعظم آزاده^۳

(تاریخ دریافت ۸۹/۸/۶، تاریخ پذیرش ۸۹/۱۲/۹)

چکیده

این پژوهش میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی رسمی را در میان اقوام بررسی می‌کند و به این سؤال‌ها پاسخ می‌دهد: آیا منابع هویت‌ساز مادی و غیرمادی در میان سه قوم ترک و لر و با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه دارد یا خیر؟ آیا میان این سه قوم در میزان پذیرش یا عدم پذیرش آن تفاوت وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها از روش تجربی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق ۳۷۷ نفر از دانشجویان پسر و دختر ۱۸-۲۹ سال دوره کارشناسی (سال اول و دوم) از سه قوم کرد و لر و ترک ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه‌های تهران هستند. روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه است.

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد میان منابع هویت‌ساز با میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد. از میان منابع هویت‌ساز، پای‌بندی دینی، جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی قومی

*alirajabloo_4038@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

۲. کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

بیشترین تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند و کردها کمترین و لرها بیشترین توافق را با هویت جنسیتی رسمی دارند.

واژه‌های کلیدی: هویت جنسیتی رسمی، منابع هویت‌ساز، قوم ترک و کرد و لر، قوانین جنسیتی.

مقدمه و طرح مسئله

انقلاب اسلامی در واکنش به عناصر سنت و مدرنیته و بازگشت به آرمان‌های دینی، بر مبنای بازتولید احکام دینی به وجود آمد و دین را نه تنها در ساختار اجتماعی، بلکه در ساختار سیاسی نیز تثبیت کرد و به این ترتیب حکومت اسلامی در قالب جمهوری اسلامی به تبیین و تدوین احکام متنوع در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... پرداخت. بنابراین، رویکرد انقلاب اسلامی به آموزه‌های «هویت جنسیتی» قرائت‌های جدیدی را تولید کرده است. قرائت انقلاب اسلامی بر مبنای آموزه‌های دینی و منابعی از قبیل قرآن، سنت رسول‌الله و ائمه اطهار (ع) و فقه شیعه استوار بوده و در رویارویی با سنت و تحولات ناشی از مدرنیته، آرایه‌های خود را برتری داده است.

بر پایه رویکرد انقلاب اسلامی، گفتمان جمهوری اسلامی به‌عنوان نماد حکومت، آموزه‌های انقلاب اسلامی را در قالب نظام سیاسی، قانون اساسی، قوانین مدنی، قوانین کیفری، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و قرائت‌های نهادهایی چون شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و حوزه‌های علمیه تدوین کرده است. در این میان، «هویت جنسیتی» نیز از سوی گفتمان جمهوری اسلامی قرائت‌های خاصی یافته و نسبت به دوره‌های قبل تفاوت‌های بنیادینی پیدا کرده است. قرائت جمهوری اسلامی در مقایسه با قرائت اقوام ایرانی از جنسیت دارای اهمیت است؛ چراکه اقوام مختلف نیز به فراخور فرهنگ و آداب و رسوم خاصشان به هویت جنسیتی نگرش ویژه‌ای دارند.

ایران به دلیل گونه‌گونی اقوام، دارای خرده‌فرهنگ‌های متفاوتی است. در این شرایط، فرهنگ رسمی باید نقش مهمی ایفا کند و میان هیچ‌یک از آنها تبعیض روا ندارد و فضای جامعه را به گونه‌ای سازد تا تمام اقوام به‌نوعی خود را در ساختار و بدنه جامعه ببینند. اما زمانی

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

که مجموعه قوانین بازتولیدکننده فرهنگی خاص باشد، دیگر نمی‌توان توقع همسویی با قانون را داشت. در نگاهی کلان‌تر، زمانی که این اقوام در کنار هم قرار می‌گیرند، با پدیده مشترکی به نام عرف روبه‌رو می‌شویم که بیان‌گر فرهنگ غیررسمی است؛ فرهنگی که به دلیل فضای غیررسمی‌اش، واقعیت عمل افراد آن را بهتر نمایان می‌کند. هنگامی که واقعیت عمل از قوانینی که بر آن‌ها سایه افکنده است جدا باشد، به سانسور فرهنگ غیررسمی منجر می‌شود؛ این سانسور خود، پیامدهای زیادی دارد؛ از جمله بیگانگی با فرهنگی که هر روز ناچارند آن را به‌کار بندند. به نظر ملک‌پور، معمولاً در ایران فرهنگ غیررسمی به رسمیت شناخته نمی‌شود و در برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی دولت جایگاهی ندارد؛ بلکه در مقابل، فرهنگ رسمی آن را کنترل و دگرگون و یا حتی سعی در حذف آن می‌کند. این اقدامات تعارض فرهنگی مزمنی را ایجاد می‌کند و موجب از بین رفتن مشروعیت واقعی دولت و فرهنگ آن می‌شود (۱۳۸۱: ۳۴).

یکی از مواردی که در جامعه ایران زیر سیطره نظام رسمی جامعه است، قوانین و عناصر جنسیتی است. قوانین جنسیتی از مهم‌ترین قوانینی است که در خصوصی‌ترین روابط زن و مرد نیز می‌توان جای پای آن‌ها را دید. قوانین جنسیتی از مهم‌ترین منابع نگرش زنان و مردان به یکدیگرند و گاهی در برخی ابعاد گرایش‌های جنسیت‌محور دارند و گاه در برخی ابعاد فارغ از آن تعریف می‌شوند. در مقابل، هویت جنسیتی در اقوام نیز می‌تواند گاهی در موافقت با هویت جنسیتی رسمی و گاهی در مخالفت با آن بیان شود؛ در این صورت گفتمان هویت جنسیتی قومی به‌گونه‌ای گفتمان مقاومت را در تقابل با هویت جنسیتی رسمی به نمایش می‌گذارد. به نظر بسیاری از فعالان زن، امروزه در ایران بسیاری از این قوانینی که در قالب قانون اساسی، مدنی، کیفری و... اجرا می‌شود، به دلیل اعمال نابرابری میان دو جنس در آن، تنش‌هایی را در میان کسانی به‌وجود آورده است که به سبب این قوانین یا در موقعیت پایین‌تری قرار گرفته‌اند و یا آن را از زندگی واقعی خود بسیار دور می‌دانند. این ناهمگرایی و تنش ممکن است در اقوام به‌عنوان یکی از نمادهای فرهنگ غیررسمی در حال رخداد باشد و نتایجی که در مورد تقابل دو فرهنگ رسمی و غیررسمی بازگو شد، دامن‌گیر آن‌ها در این زمینه شود.

این تحقیق به تبیین عناصر یادشده درباره میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی در سه قوم ترک و کرد و لر می پردازد؛ به همین منظور مبنای تحلیل خود را عناصر شکل دهنده به هویت جنسیتی مانند منابع مادی و غیرمادی قرار می دهد و سپس رابطه آن را با پذیرش هویت جنسیتی رسمی در بین اقوام تبیین می کند.

مبانی نظری

جنکینز جنسیت را یکی از فراگیرترین و رایج ترین طبقه بندی ها می داند که برمبنای طبقه بندی دوگانه مذکر- مونث به دست می آید. او براساس نظریه دیالکتیک درونی- برونی خود بر این باور است که از سویی فرد برمبنای تفاوت های جنسی به صورت درونی به جنسیت خود پی می برد و از سوی دیگر برمبنای تعریف دیگران (برونی) به جنسیت خود شناخت پیدا می کند (۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۰۳). به نظر او، عناصری چون جنسیت، بیشتر از بیرون تعریف می شوند تا درون و انعطاف پذیری کمتری دارند؛ زیرا جنسیت هویتی است که به صورت جمعی طی فرایند اجتماعی شدن به کودک منتقل می شود و کودک به علت تجربه های اندک توان مقاومت در مقابل آن را ندارد. او پیرو همین مسئله، در مورد زنان معتقد است که هر چه آن ها در عرصه های مختلف بیشتر مشارکت کنند و منابع هویت سازشان بیشتر شود (منابع مادی، فرهنگی، ارزش ها و نگرش ها)، توانایی مقاومت بیشتری در برابر این هویت های بیرونی خواهند داشت (محمدی، ۱۳۸۵: ۴۳ و ۷۶).

گیدنز جنس را تفاوت های فیزیکی بدن و... و جنسیت را تفاوت های روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان می داند. به نظر او، در بدو تولد مادر و پدر با کودکان جنسیتی رفتار می کنند و عوامل فرهنگی نیز به تقویت این مسئله می پردازد (۱۳۸۶: ۲۳۱، ۱۹۲ و ۲۰۵). از دیدگاه گیدنز، در تمام جوامع نگاه جنسیتی به زن و مرد با میزان های متمایزی وجود دارد و امروزه همچنان بقایای کلیشه های جنسیتی به چشم می خورد. به نظر او، انقلاب در نظام های ارتباطی و ورود نیروهای جهانی چون رسانه، اینترنت و فرهنگ عامه پسند، زندگی های شخصی را دستخوش دگرگونی کرده است. این وضعیت ما را به بازتعریف

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

جنبه‌های خصوصی و شخصی زندگی وادار می‌کند؛ جنبه‌هایی چون خانواده، نقش‌های جنسیتی، روابط جنسی، هویت شخصی و... . گاه این فرایند بازاندیشی، در سطوح سیاسی و جنسی خودهای جدیدی بنا می‌کند.

فوکو جنسیت را «راهبردی در جهت اداره، تولید و نظارت بر اندام آدمیان و مناسبات اجتماعی آن‌ها» می‌داند و اینکه مقوله‌ای است که در بستر تاریخ شکل گرفته است (ضمیران، ۱۳۷۸: ۱۶۳). بنابراین، او جنسیت را متأثر از قدرت می‌داند که توانسته است رفتارهای جنسی را تحت نظارت خود درآورد. اما به نظر فوکو، ویژگی این قدرت این است که به حذف مناسبات جنسی نمی‌پردازد؛ بلکه برآیند آن است و اشکال مختلف قدرت به تداوم و تکثیر آن منجر می‌شود و آن را شکل می‌دهد. «این قدرت، گوناگونی جنسی را تولید و تثبیت می‌کند. جامعه‌ی مدرن منحرف است، نه به‌رغم پاک دینی‌اش یا به‌مثابه‌ی پیامد ریاکاری‌اش، جامعه‌ی مدرن واقعاً و مستقیماً منحرف است.» (فوکو، ۱۳۸۳: ۵۲-۵۸). او معتقد است چنین قدرتی هم سلطه‌گر و هم زیرسلطه را دربرگرفته است و در نقاط موضعی به‌صورت میکروفیزیک وجود دارد (همان، ۲۰۰). در چنین فضایی است که سوژه ناآگاهانه تسلیم می‌شود و آن را با رضایت می‌پذیرد؛ زیرا مانند گذشته نظارت و روابط قدرت بر او آشکار نیست، بلکه همواره از او پنهان است. بنابراین، او امروزه سوژه را به نسبت گذشته، بهنجارتر می‌داند (همان، ۱۳۴ و ۱۵۱). اما فوکو در عین حال، تصور روابط قدرت بدون مقاومت سوژه را انتزاعی بیش نمی‌داند (همان، ۸۴) و بر این باور است که به‌ازای تکثیری از قدرت‌ها با تکثیری از مقاومت‌ها روبه‌رویم؛ بنابراین تسلیم محض سوژه را در برابر سامانه‌ی مناسبات جنسی رد می‌کند.

کاستلز از نظریه‌پردازانی است که با بررسی تفاوت نظام جنسیت در نظام پدرسالار و جامعه‌ی شبکه‌ای، بر فرایند اجتماعی بودن آن تأکید می‌کند. به نظر او، وقتی امروزه امور جنسی از دیدگاه ارزش‌های اجتماعی به امری شخصی و خارج از خانواده‌ی سنتی تبدیل می‌شود، (میل جنسی به نمودی از خود بدل می‌شود) در نهایت به آزادی جنسی می‌انجامد. کاستلز یکی از دلایل مهم تغییر نگرشی را از یک‌سو کاهش هویت‌های مشترک و از سوی دیگر خلق هویت‌های مقاومتی چون نهضت‌های آزادی جنسی و... می‌داند که همواره در حال افزایش‌اند

(۱۳۸۰: ۴۲۶-۴۲۷)؛ هویت‌های مقاومت و مستقلى که به سبب فضای جامعه شبکه‌ای و رسانه‌ای، چالش‌های اجتماعی را علیه الگوهای سلطه شکل می‌دهند. او علاوه بر جنبه‌های فرهنگی و ارزشی این مسئله، عوامل تکنولوژیک را هم در این فرایند دخیل می‌داند (امکانات مصنوعی، بانک‌های اسپرم، اطفال زاده مهندسی ژنتیک و...) (همان، ۲۸۶). سرانجام کاستلز به این فرضیه قائل است که میل جنسی در حال نهادی‌شدن است. خانواده پدرسالار دیگر وجود ندارد تا تخطی از آن معنادار باشد و دیگر خانواده در مقابل این مسائل سپر و مانع نیست. این مسئله دو پیامد دارد: یکی «متعارف‌سازی امور جنسی» مثل طرح فیلم‌های پورنو به صورت اموری طبیعی در رسانه‌ها و دیگری «گسترش خشونت خودسرانه» که نتیجه انحراف جنسی است (همان، ۲۸۶-۲۸۸).

به نظر فمینیست‌ها، باید هویت زنان را از راه برابری زن و مرد، جنسیت‌زدایی از تفاوت‌های زیستی و فرهنگی و یا برتری خصوصیات زنانه و یا دوری از دنیای مردان بازتعریف کرد (همان، ۲۱۸). موضوع و بحث اصلی فمینیسم «جنسیت» و یا رابطه جنس و جنسیت است. به قول جین فلکس، آن‌ها به دنبال این هستند که روابط جنسیت چگونه شکل می‌گیرد و تجربه می‌شود و ما چگونه درباره جنسیت می‌اندیشیم یا نمی‌اندیشیم یا از اندیشیدن درباره جنسیت خودداری می‌کنیم (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۴۴۳-۴۴۴). هدف فمینیست‌های لیبرال این بود تا زنان را به همه نهادها پیوند دهند تا نقش‌های جنسیتی آنان دگرگون شود. به نظر آن‌ها، شباهت دو جنس بیشتر از تفاوت‌هایشان است. آنان فقط مردان را به چالش نمی‌کشند؛ بلکه زن و مرد را به‌عنوان دو موجود انسانی، ذاتاً برابر می‌دانند و معتقدند تفکیک حوزه عمومی «مردانه» و حوزه خصوصی «زنانه» زنان را در موقعیت فرودستی قرار داده است. فمینیست‌ها تعیین نقش زنان را بر مبنای جنسیت‌شان در کارهای خانه، سکسپیت «یا اعتقاد به برتری مردان» می‌دانند. در این الگو نقش زن بیشتر مفعولی است (همان، ۲۳۹-۲۴۵). دیدگاه فمینیسم رادیکال که برخاسته از فمینیسم مارکسیستی است، به جای نظام سرمایه‌داری نظام پدرسالاری، به جای کارگر زنان، به جای سرمایه‌دار مردان و به جای نظام طبقاتی نظام جنسی را محور اندیشه‌های خود قرار می‌دهد (همان، ۲۷۰-۲۷۲). این شاخه از فمینیست معتقد است نظام پدرسالاری، به قول کیت میل، از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ نظام سلطه‌اش را طبیعی

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

جلوه می‌دهد و از راه ایدئولوژیک آن را تداوم می‌بخشد و با روش نمادین حفظش می‌کند. از دیدگاه فمینیست‌های رادیکال، مسئله زنان و موقعیت فرودست آن‌ها نیز سیاسی است و برای رهایی از نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی و آگاهی دروغینشان، باید از ابزار افزایش آگاهی و جامعه‌پذیر کردن آنان استفاده کرد (همان، ۲۷۷-۲۷۹). از نظر فمینیست پست‌مدرن، جنسیت «معانی متعدد بی‌پایانی» دارد؛ زیرا زنان ادراک‌ها و تجربه‌های متفاوت از مسائل دارند؛ بنابراین هویت زنانه برای جنبش قائل نمی‌شوند. هدف آن‌ها از سوی «تمرکز بر زن و از سوی نفی هویت» اوست (همان، ۴۴۴ و ۴۴۶).

قوانین جنسیتی در ایران

برای شناخت قوانین جنسیتی، آن‌ها را در چهار بخش کیفری، خانوادگی، شغلی و آموزشی به‌اختصار معرفی می‌کنیم.

۱. قوانین جنسیتی کیفری

سن مسئولیت جزایی: براساس قانون، مسئولیت جزایی دختر و پسر از سن بلوغ آن‌ها آغاز می‌شود. براساس تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی که در سال ۱۳۷۰ تصویب شد «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است».

ارزش شهادت: شهادت زن ارزشی ندارد به غیر از موارد قتل و زنا که ارزش شهادت او نصف مرد است.

دیه: براساس ماده ۳۰۰ «دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است».

قصاص: براساس ماده ۲۰۹ «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد». براساس ماده ۲۲۰ «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود».

جرایم علیه اشخاص: براساس ماده ۶۳ «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند... می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند». براساس ماده ۶۳۸ «زنانی

که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا... جزای نقدی محکوم خواهند شد». در اینجا قانون‌گذار در مورد مرد سکوت کرده است.

۲. قوانین جنسیتی خانوادگی

تابعیت: سیستم خون براساس نسب پدر است. ماده ۹۷۶ قانون مدنی: «کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا خارجه متولد شده باشند» تبعه ایران‌اند.

اقامتگاه زن: ماده ۱۰۰۵: «اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است.»

ریاست خانواده: ماده ۱۱۰۵: «ریاست خانواده از خصایص مرد است.»

خواستگاری: ماده ۱۰۳۴: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری کرد.» در اینجا انتخاب‌شونده زن و انتخاب‌کننده مرد است.

نکاح دختر: ماده ۱۰۴۳: «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده، اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست و...»

ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان: ماده ۱۰۵۹: «نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست.»

تعهد زوجات: مرد تا چهار زن را می‌تواند به نکاح خود درآورد. ماده ۱۰۵۰: «هر کس زن شوهردار را... برای خود عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام موبد است.»

محدودیت شغلی زن شوهردار: ماده ۱۱۱۷: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.»

سهم الارث: ارث مرد دوبرابر زن است. ماده ۹۴۶: «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد لیکن زوج فقط از اموال ذیل ۱. از اموال منقوله از هر قبیل که باشد ۲. از ابنیه و اشجار.»

حق طلاق: ماده ۱۱۳۳: «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.»

ولی طفل: ماده ۱۱۸۰: «فقط پدر و جد پدری ولی طفل شناخته می‌شوند.»

حضانت: ماده ۱۱۶۹: «حضانت بچه بعد از طلاق بر عهده پدر است.»

خروج زن متأهل از کشور: بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه ایران: «خروج زنان شوهردار موکول است به موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل

درخواست گذرنامه...»

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

۳. قوانین جنسیتی شغلی

در مقدمه قانون اساسی با عنوان «زن در قانون اساسی» آمده است: مهم‌ترین نقش زن مادر شدن و بزرگ کردن فرزندان است.

نقش زن در پست‌های کلیدی: مطابق با ماده ۲ قانون انتخابات و ماده ۱۵۷ و ۱۶۲ قانون اساسی به ترتیب شرایط حضور در مجلس خبرگان، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست قوه قضاییه را اجتهاد که امری مردانه است قرار داده است. براساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشد انتخاب گردد...». طبق ماده ۲۳ قانون ارتش جمهوری اسلامی مصوب ۶۶/۷/۷ «ارتش می‌تواند فقط برای مشاغل درمانی و بهداشتی زنان را استخدام نماید. نقل و انتقالات زنان باید حتی‌الامکان تابع شرایط خدمتی همسران آنان باشد». مطابق با شرایط استخدام قضاات که در سال ۱۳۶۱ مشخص شد «قضاات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند...».

۴. قوانین جنسیتی آموزشی

تبصره ۱ ماده ۳ قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور مصوب ۶۴/۱/۲۵: «زنان لیسانس و بالاتر با توجه به سایر ضوابط مندرج در این قانون، تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند و در معیت همسر خویش می‌توانند داوطلب اعزام شوند.»

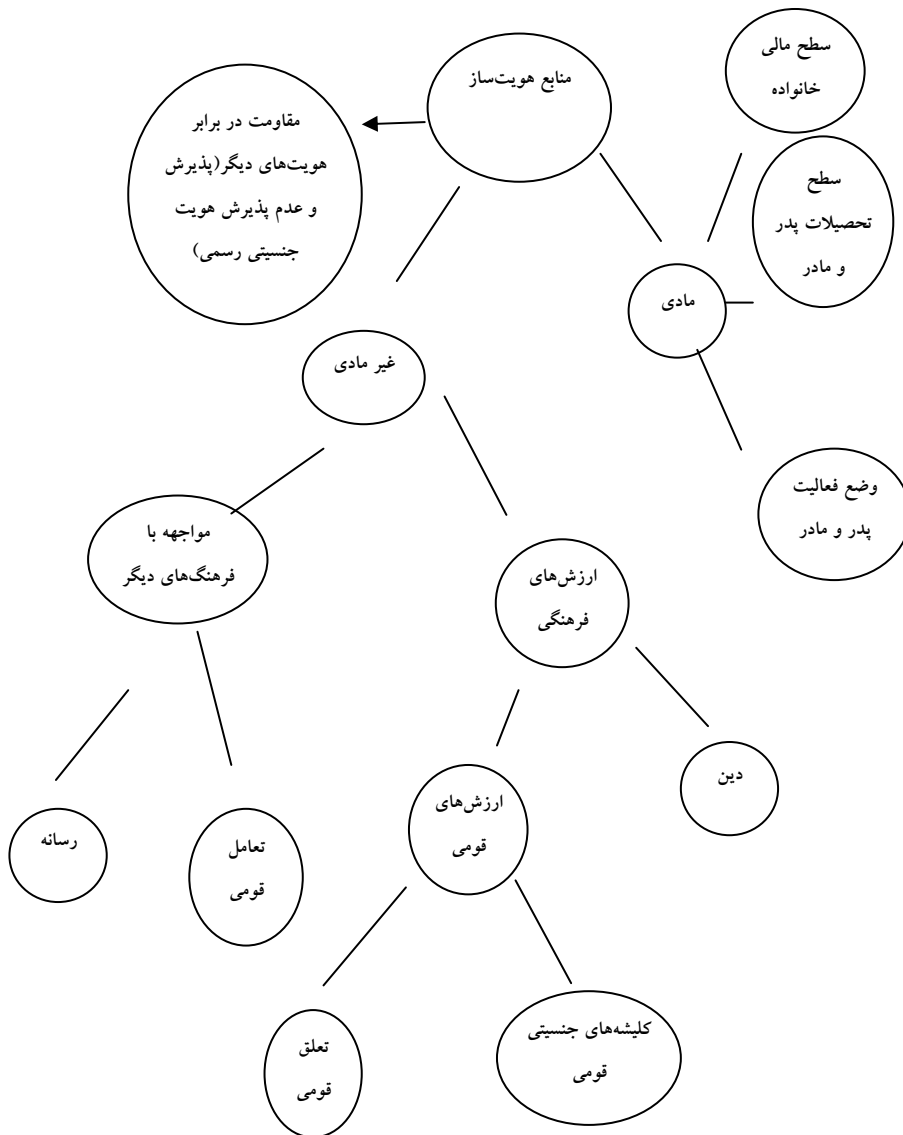
شرکت دختران مجرد در آزمون اعزام دانشجویان: براساس اطلاعیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال ۱۳۷۲ «شرکت دختران مجرد در آزمون اعزام دانشجویان به خارج ممنوع است.»

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این پژوهش تلفیقی از آرای جنکینز، فوکو، فمینیست‌ها، کاستلز و گیدنز است. فوکو عامل مقاومت را قدرتی می‌داند که بر فرد اعمال می‌شود. به نظر می‌رسد که در ایران نیز مقاومت‌هایی حول جنسیت در برابر قدرت «نظام رسمی» شکل گرفته است. در این تحقیق، مقاومت به منزله پذیرش یا عدم پذیرش اقوام از هویت جنسیتی رسمی است. هویت

جنسیتی شامل مجموعه‌ای از قوانین جنسیتی است که نظام رسمی جامعه آن را تبلیغ و ترویج می‌کند. در کنار این قوانین جنسیتی به‌عنوان نماد قدرت، دین نیز ابزار و نماد قدرت دیگری است. می‌توان در ایران دین را هم پدیده‌ای دانست که از سویی محصول قدرت و از سوی دیگر ابزار آن قرار گرفته است.

برای سنجش عوامل دخیل در پذیرش هویت جنسیتی رسمی از نظریه جنکینز بهره برده‌ایم. جنکینز منابع درونی هویت‌ساز (منابع فرهنگی، مادی، ارزش و نگرشی) و در مجموع تجربه‌های ارزشی را در مقاومت در برابر جنسیت تعریف‌شده فرد مؤثر می‌داند و ما در این پژوهش از آن‌ها به‌عنوان متغیرهای مستقل پژوهش استفاده کرده‌ایم. پیرو نظر گیدنز و کاستلز، رسانه در این پژوهش یکی از عناصری در نظر گرفته شده است که رویارویی اقوام را با دنیای خارج بیشتر می‌کند و تجربه‌های ارزشی و فرهنگی آن‌ها را بالا می‌برد؛ به این ترتیب تصور فرد را نسبت به جنسیت و ساختار جنسیتی بهنجار شده در او تغییر می‌دهد و به قول کاستلز مجموعه‌ای از هویت‌های مقاومت را ایجاد می‌کند؛ در این پژوهش این مقاومت می‌تواند در برابر قوانین جنسیتی رسمی باشد. سرانجام پیرو نظر فمینیست‌ها، کلیشه‌های جنسیتی قومی را به‌عنوان مجموعه‌ای از الگوهای جنسیتی - که در قالب هویت قومی به فرد عرضه می‌شود - در ارتباط با پذیرش هویت جنسیتی رسمی بررسی کرده‌ایم.



شکل ۱ مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

۱. میان منابع مادی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۱-۱. میان تحصیلات پدر و مادر با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۱-۲. میان درآمد خانواده با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۱-۳. میان وضعیت فعالیت پدر و مادر با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
۲. میان منابع غیرمادی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۲-۱. میان ارزش‌های فرهنگی قومی و پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۲-۱-۱. میان پای‌بندی دینی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۲-۱-۲. میان ارزش‌های قومی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۲-۱-۲-۱. میان کلیشه‌های جنسیتی قومی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۲-۲. میان تعلق قومی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۲-۲-۱. میان مواجهه با فرهنگ‌های دیگر با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۲-۲-۲. میان تعاملات قومی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.
 - ۲-۲-۳. میان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق پیمایش است و داده‌ها از راه پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با نرم‌افزار Spss انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری نیز سهمیه‌ای غیراحتمالی است و با خطای ۰/۰۵، ۳۷۷ نمونه انتخاب شده است.

مفاهیم و متغیرهای پژوهش

سه نوع متغیر در این تحقیق به‌کار رفته است: متغیرهای وابسته، متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای مستقل. متغیرهای وابسته شامل میزان پذیرش قوانین جنسیتی شغلی، آموزشی، خانوادگی و قضایی است. متغیرهای مستقل شامل منابع هویت‌ساز مادی و غیرمادی (فرهنگی) و متغیرهای

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجب‌لو و همکاران

زمینه‌ای شامل سن، جنسیت، قومیت، مذهب، شهرستان محل سکونت، ترم تحصیلی، دانشگاه محل تحصیل و رشته تحصیلی است.

۱. متغیرهای وابسته

• تعریف مفهومی پذیرش هویت جنسیتی رسمی: به نظر شیولی و دیوچکو، هویت جنسیتی معمولاً بر اعتقاد فرد به زن بودن و یا مرد بودن خودش متکی است؛ هر چند ممکن است با جنس زیست‌شناختی او تناسب نداشته باشد (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۱ و ۴۸-۴۹). یکی از معانی پذیرش، سازگاری است. سازگاری دارای بعد دستوری است و اطاعت از ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری مسلط از آن برمی‌آید (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۰-۱۱). در نظر ملک‌پور، فرهنگ رسمی «درواقع دربرگیرنده باورها، عقاید، ایدئولوژی و ارزش‌های منتسب به حکومت و دولت در یک کشور و جامعه‌ای معین است... فرهنگ رسمی معطوف به عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی است که از نظر دولت مجاز است و تشویق و ترویج می‌شود.» (۱۳۸۱: ۱۵). بنابراین، می‌توان گفت پذیرش هویت جنسیتی رسمی به معنای سازگاری فرد با ساختار جنسیتی، و شامل ارزش‌ها، عقاید و هنجارهای مسلط جنسیتی است و فرهنگ رسمی آن را تولید می‌کند و ترویج می‌دهد.

• تعریف عملیاتی میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی: شاخص هویت جنسیتی رسمی در این پژوهش، قوانین جنسیتی است. ابعاد قوانین جنسیتی نیز شامل قوانین جنسیتی شغلی، آموزشی، خانوادگی و قضایی است:

قوانین جنسیتی شغلی: تقدم نقش مادری بر اشتغال زنان، محدودیت زن در انتخاب شغل، تعلق شغل‌هایی چون قضاوت به مردان و تعلق شغل‌هایی چون مامایی و معلمی به زنان.
قوانین جنسیتی خانوادگی: سهم‌الارث زن، حضانت فرزندان، حق طلاق، عقد دختر به اذن پدر، نفقه، بکارت دختر، تعدد زوجات، خواستگاری، تمکین جنسی زن، نام خانوادگی فرزندان، انتخاب اقامتگاه زن، اذن شوهر برای خروج زن از منزل، تابعیت فرزندان، تأمین مخارج خانواده، طلاق از سوی زن، اجازه‌نامه رسمی پسر از پدر برای ازدواج، ریاست خانواده، اجازه‌نامه زن از شوهر برای خروج از کشور.

قوانین جنسیتی آموزشی: ممنوعیت انتخاب برخی رشته‌های دانشگاهی برای زنان و بورسیه شدن دختر.

قوانین جنسیتی قضایی: قصاص مرد، حجاب زن، سن کیفری دختر و پسر و مجازات زنان بدحجاب، ارزش شهادت زن، عاطفی بودن زن و ارزش شهادتش، دیه زن و مرد، نان‌آوری مرد و دیه او.

۲. متغیرهای مستقل

منابع مادی و غیرمادی هویت‌ساز: منابع مادی در این تحقیق، سطح درآمد خانواده، تحصیلات پدر و مادر و وضعیت شغل پدر و مادر است. به نظر جنکینز، منابع غیرمادی یا فرهنگی هویت‌ساز، تجربه‌های ارزشی و نگرشی افراد در طول زندگی است. در این تحقیق منابع غیرمادی با دو بعد سنجیده شده است: مواجهه با ارزش‌ها و نگرش‌های مختلف و ارزش‌های فرهنگی.

• تعریف مفهومی ارزش‌های فرهنگی: به نظر ساروخانی، ارزش‌های فرهنگی موجبات تعالی حیات انسان را فراهم می‌کند، صورت فرامادی به حیات می‌دهد و هرگز کهنه نمی‌شود (۱۳۷۹: ۹۰۹).

• تعریف عملیاتی ارزش‌های فرهنگی: در این تحقیق دین و ارزش‌های قومی دو بعد ارزش‌های فرهنگی هستند.

• تعریف مفهومی دین: به نظر ساروخانی، دین مظهر توجه انسان به موجود الهی یا نیروهای فراطبیعی و یا دست‌کم احساس ساده و وابستگی به آن‌ها، به منظور بازبایی تبیینی از هستی خود در این جهان و معنایی برای بودنش است. بنابراین، دین شاخص باورهای انسان است (همان).

• تعریف عملیاتی پای‌بندی دینی: پای‌بندی دینی در این پژوهش به دو بخش عملی و عقیدتی تقسیم شده است. بعد عقیدتی «نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد درباره حقایق گرایش‌های فطری و با پذیرش تقلیدی و سستی دین بر جان و روان انسان می‌نشیند» (درویشی، ۱۳۸۸: ۴۶). بعد اعتقادی در این پژوهش، خود سه مؤلفه دارد: ۱. بعد عقیدتی - فردی که منظور از آن، عقاید فردی حول گرایش‌های اصلی و فطری است؛ مانند

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

اعتقاد به خدا، بهشت و جهنم. این بعد از نه گویه تشکیل شده است. ۲. بعد عقیدتی - سیاسی که منظور از آن، بعدی از عقاید دینی است که با حوزه سیاست ترکیب شده است. این بعد از هفت گویه تشکیل شده است. ۳. بعد عقیدتی - جنسیتی که منظور از آن، بعدی از عقاید دینی است که با حوزه جنسیت ترکیب شده است. این بعد از پنج گویه تشکیل شده است. در این تحقیق بعد عملی یا مناسکی شامل انجام اعمالی چون نماز، روزه و شرکت در مراسم مذهبی است و سه گویه دارد. در مجموع، پای بندی دینی در تمام ابعاد آن با طیف هفت قسمتی در سطح سنجش ترتیبی از کاملاً موافقم تا نظری ندارم بررسی شده است.

• تعریف مفهومی ارزش های قومی: به نظر سامنر «تمام ویژگی هایی که از طریق آنان گروه هویت می یابد و از دیگر گروه ها تمایز می پذیرد» ارزش های قومی نامیده می شود. به نظر کروبر، «این مفهوم نظام آرمان ها و ارزش هایی را می رساند که بر فرهنگی مستولی هستند و از این جهت به کنترل نوع رفتار اعضای آن گرایش دارند.» (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱/ ۲۵۴).

• تعریف عملیاتی ارزش های قومی: ارزش های قومی در این تحقیق شامل کلیشه های جنسیتی قومی و تعلقات قومی است.

• تعریف مفهومی تعلقات قومی: تعلق گروهی «گرایش یک گروه به اینکه دیگر گروه ها را با الگوها، ارزش ها و معیارهای خود بسنجد و خود را در مرکز دیگران یابد.» (همان، ۳۳۲).

• تعریف عملیاتی تعلقات قومی: تعلقات قومی شامل این موارد است: ۱. رفتار قومی که میزان استفاده از زبان قومی و شرکت در آیین های قومی را می نمایاند؛ ۲. بازشناسی قومی که منظور، احساس تعلق و نزدیکی و همچنین افتخار به قومیت خود است؛ ۳. چگونگی نگرش به اقوام دیگر که از حس اعتماد و احترام به اقوام دیگر ساخته شده است؛ ۴. آگاهی قومی. مجموع این گویه ها میزان تعلق فرد را به قومش می سنجد. تعلق قومی با طیف شش قسمتی در سطح سنجش ترتیبی از خیلی زیاد تا اصلاً بررسی شده است.

• تعریف مفهومی کلیشه های جنسیتی قومی: به عقیده بم، کلیشه های جنسیتی باورها و نگرش هایی درباره زنانگی و مردانگی است. این کلیشه ها بسیار مؤثر است و بر مفهوم سازی زنان و مردان و ایجاد مقوله های اجتماعی برای جنسیت تأثیر می گذارد (خمسه ای، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

• تعریف عملیاتی کلیشه های جنسیتی قومی: در این بعد سعی شده است با مصاحبه با چند قوم مختلف، درباره برخی کلیشه های جنسیتی موجود در اقوام پرسیده شود. گویه ها بیشتر در

حیطه خانوادگی هستند و از مواردی چون نظر قوم پاسخ‌گو در مورد اینکه چه کسی در خانواده وظیفه تأمین مخارج را بر عهده دارد، اشتغال زن، سن ازدواج دختر، طلاق، ارث زن، کمک شوهر به همسر در کارهای خانواده، تعدد زوجات و... ساخته شده است. مجموع این گویه‌ها این مسئله را می‌سنجد که کلیشه‌های جنسیتی در این سه قوم به چه میزان وجود دارد. کلیشه‌های جنسیتی قومی شامل سیزده گویه بوده و با طیف هفت‌قسمتی از کاملاً موافقم تا نظری ندارم بررسی شده است.

• تعریف مفهومی ارزش‌ها: به باور گیدنز، ارزش‌ها تصورات و اندیشه‌هایی انتزاعی هستند که مشخص می‌کنند چه چیزی مهم، ارزشمند، مطلوب و پسندیده است. آن‌ها همچنین به آدمیان در تعامل با دنیای اجتماعی معنا می‌دهند و آن‌ها را هدایت می‌کنند (۱۳۸۷: ۳۵).

• تعریف مفهومی نگرش‌ها: نگرش طرز تلقی/آمادگی روانی است که «بین عقیده Opinion از یکسو و عمل از سوی دیگر جای می‌گیرد و دارای دو بعد است: ۱. آمادگی درونی بالفعل جهت انجام عمل ۲. گرایش یا جهت‌گیری مثبت یا منفی در برابر یک امر اجتماعی.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۷). بنابراین، رویارویی با ارزش‌ها و نگرش‌های مختلف به معنای رویارویی فرد با گرایش‌ها و تصورات و اندیشه‌هایی است که معنابخش زندگی او است.

• تعریف عملیاتی میزان رویارویی با ارزش‌ها و نگرش‌های مختلف: میزان دسترسی به ارزش‌ها و نگرش‌های مختلف در این تحقیق با دو بعد سنجیده شده است: تعاملات قومی و میزان و نوع استفاده از وسایل ارتباط جمعی.

• تعریف مفهومی تعاملات قومی: منظور از تعاملات قومی، روابط و برخورد اقوام با یکدیگر است.

• تعریف عملیاتی تعاملات قومی: در اینجا تعاملات قومی از رفت و آمد به شهرهای مختلف، ترجیح فرد به انتخاب دوستانش از اقوام مختلف، ازدواج با هم‌قومی‌ها و دیدن شبکه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی قوم خود و ترجیح فرد به اینکه بعد از پایان تحصیل در تهران بماند یا خیر، ساخته شده است. این متغیر با طیف شش‌قسمتی در سطح سنجش ترتیبی از خیلی زیاد تا اصلاً بررسی شده است.

• تعریف مفهومی وسایل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی/ رسانه‌های همگانی

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

به مجموعه وسایل غیرشخصی اطلاق می‌شود که انتقال پیام سمعی، بصری و یا هر دو را به سوی مردمی بسیار در مناطق دوردست موجب می‌شوند. شاخص این وسایل، ارتباط آنان با جمع است؛ بدین‌سان رسانه‌های همگانی وسایل و ابزاری هستند که بین جمع و جمع یا فرد و جمع ایجاد ارتباط می‌نمایند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۲۸-۴۲۹).

• تعریف عملیاتی وسایل ارتباط‌جمعی: در این تحقیق وسایل ارتباط‌جمعی دارای مؤلفه داخلی و خارجی است. شاخص‌های داخلی تلویزیون، مجلات و روزنامه‌های داخلی و شبکه‌های رادیویی داخل، و شاخص‌های خارجی اینترنت، ماهواره، فیلم‌های غیرمجاز و رادیوهای خارجی است. این متغیر با طیف شش‌قسمتی در سطح سنجش ترتیبی از خیلی زیاد تا اصلاً بررسی شده است.

۳. متغیرهای زمینه‌ای

• سن: منظور از سن، سن تقویمی یا تعداد سال‌های عمر است. تعریف عملیاتی سن: برای سنجش سن، به‌طور مستقیم سن پاسخ‌گو را پرسیدیم؛ چرا که دامنه سنی دانشجویان سال اول و دوم، محدود است و نیازی نبود برای دقت بررسی سال تولدشان را از آن‌ها پرسیم.

• جنسیت: جنسیت پاسخ‌گویان شامل زن و مرد است.

• قومیت: به نظر گیدنز، قومیت «به کردارها و نگرش‌های فرهنگی اجتماعی از مردم اطلاق می‌شود که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد.» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۵۰). تعریف عملیاتی قومیت: منظور از قومیت، سه قوم ترک و کرد و لر هستند. در این تحقیق قومیت متغیر زمینه‌ای اصلی به‌شمار می‌آید.

• مذهب: منظور از مذهب دینداری نیست؛ بلکه شیعه و سنی بودن پاسخ‌گویان موردنظر است.

• ترم تحصیلی پاسخ‌گو: در اینجا از پاسخ‌گو پرسیدیم که ترم چند است.

• رشته تحصیلی پاسخ‌گو: در ابتدا قرار بود دانشجویان را براساس نام رشته تحصیلی به‌طور دقیق طبقه‌بندی کنیم؛ بنابراین سؤال به‌صورت باز تنظیم شد. ولی در عمل تنوع رشته‌ها زیاد بود و به همین سبب در نهایت آن‌ها را طبقه‌بندی کردیم.

• دانشگاه محل تحصیل پاسخگو: این سؤال نیز به صورت باز مطرح شد؛ زیرا هر دانشگاهی که به دلیل محدودیت‌های تحقیق می‌توانستیم برویم، مورد سنجش واقع شدند و دانشگاه‌های شاهد و علوم اقتصادی از آن جمله بودند.

• شهرستان محل سکونت پاسخگو: شهرستان محل سکونت نیز به صورت باز مطرح شد. در اینجا نیز به سبب تنوع شهرستان‌ها، شهرها و دهستان‌ها که در پاسخ‌ها مشاهده شد، ناچار شدیم آن‌ها را بر مبنای استان‌های محل سکونتشان دسته‌بندی کنیم. سه سؤال یادشده فقط برای توصیف جامعه آماری است.

اعتبار و روایی ابزار سنجش

در سنجش متغیرهای وابسته از آنجا که مجموعه گویه‌ها حقوقی و مربوط به قوانین کیفری و مدنی بودند و از آن‌ها در تحقیقات جامعه‌شناختی کمتر استفاده شده بود، اعتبار صوری و بهره‌گیری از نظرهای استادان و صاحب‌نظران، بهترین شیوه اعتباریابی تشخیص داده شد. در مواردی نیز از گویه‌هایی که قبلاً در تحقیقات مشابه به کار رفته بود بهره گرفته شد. برای روایی گویه‌ها نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد: قوانین جنسیتی شغلی ۰/۶۴۹، قوانین جنسیتی خانوادگی ۰/۷۸۹، قوانین جنسیتی آموزشی ۰/۶۲۶، قوانین جنسیتی قضایی ۰/۸۹۱، منابع مادی هویت‌ساز ۰/۷۰۰، پای‌بندی دینی ۰/۹۰۵، کلیشه‌های جنسیتی قومی ۰/۹۷۸، تعلق قومی ۰/۶۲۹، وسایل ارتباط جمعی داخلی ۰/۶۱۰، وسایل ارتباط جمعی خارجی ۰/۶۱۷، تعامل قومی ۰/۵۲۰.

یافته‌های پژوهش

۱. توصیف متغیرهای زمینه‌ای

در اینجا فقط متغیرهای زمینه‌ای که در تحلیل‌ها از آن‌ها استفاده شده، آمده است.
سن: ۴۳/۵ درصد از جامعه آماری را گروه سنی ۱۸ تا ۱۹ سال، ۴۸/۶ درصد را گروه سنی ۲۰ تا ۲۱ سال و ۸/۱ درصد را گروه سنی ۲۲ سال به بالا تشکیل می‌دهند. میانگین سنی هم ۲۰ سال است.

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

توزیع جنسیتی: ۱۸۳ زن و ۱۹۴ مرد مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که به ترتیب ۴۸/۶ و ۵۱/۴ درصد جامعه آماری را تشکیل می‌دهند.

قومیت: از کل جمعیت نمونه به ترتیب ۱۶۵ نفر ترک (۴۳/۸ درصد)، ۱۱۷ نفر کرد (۳۱/۰ درصد) و ۹۵ نفر لر (۲/۲ درصد) هستند.

مذهب: ۳۱۶ نفر (۸۳/۸ درصد) شیعه و ۶۰ نفر (۱۵/۹ درصد) سنی هستند.

ترم تحصیلی: ۲۷۲ پاسخ‌گو (۷۲/۱ درصد) سال اول (ترم یک و دو) و ۱۰۵ پاسخ‌گو (۲۷/۹ درصد) سال دوم (ترم سه و چهار) کارشناسی هستند.

۲. توصیف متغیرهای وابسته

• میزان پذیرش قوانین جنسیتی شغلی: ۳۹/۸ درصد پاسخ‌گویان مخالف و ۵۹/۲ درصد موافق قوانین جنسیتی شغلی در جامعه بودند. میانگین میزان پذیرش قوانین جنسیتی شغلی بین تاحدی زیاد و تاحدی کم بود. ترجیح نقش مادری بر شاغل بودن زن از مواردی بود که پاسخ‌گویان بیشترین اتفاق نظر را در مورد آن داشتند. همچنین ممانعت بعضی قوانین از دستیابی زنان به برخی شغل‌ها از مواردی بود که پاسخ‌گویان با آن مخالفت کردند.

جدول ۱ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان پذیرش قوانین جنسیتی شغلی

| درصد | میزان پذیرش قوانین جنسیتی شغلی |
|-----------------------|--------------------------------|
| ۵/۰ | خیلی کم |
| ۱۲/۵ | کم |
| ۲۲/۳ | تاحدی کم |
| ۳۶/۱ | تاحدی زیاد |
| ۱۴/۹ | زیاد |
| ۸/۲ | خیلی زیاد |
| انحراف معیار: ۱/۲۵۵۴۲ | میانگین: ۳/۷۸۷۸ |

• میزان پذیرش قوانین جنسیتی خانوادگی: ۶۸/۶ درصد پاسخ‌گویان با قوانین جنسیتی خانوادگی مخالف و ۳۴/۰ درصد نیز با آن موافق بودند. میانگین میزان پذیرش قوانین جنسیتی

خانوادگی تاحدی کم بود. موافقت با قوانین جنسیتی خانوادگی اغلب به خطوط قرمز جامعه مربوط بود (همچون باکره بودن دختر قبل از ازدواج) و یا به امور بسیار بدیهی مربوط بود که پاسخ گو با آن‌ها مخالفت چندانی نداشت؛ مانند نام خانوادگی و تابعیت فرزند از پدر، ریاست مرد در خانواده، وظیفه دادن نفقه از سوی مرد.

جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان پذیرش قوانین جنسیتی خانوادگی

| درصد | میزان پذیرش قوانین جنسیتی خانوادگی |
|-----------------------|------------------------------------|
| ۳/۳ | خیلی کم |
| ۲۲/۳ | کم |
| ۴۳/۰ | تاحدی کم |
| ۲۷/۰ | تاحدی زیاد |
| ۴/۰ | زیاد |
| ۳/۰ | خیلی زیاد |
| انحراف معیار: ۰/۸۰۳۹۷ | میانگین: ۳/۲۷۴۴ |

• میزان پذیرش قوانین جنسیتی آموزشی: ۸۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان با قوانین جنسیتی آموزشی مخالف و ۱۹/۵ درصد با آن موافق بودند. میانگین پذیرش این دسته از قوانین نیز کم بود. با توجه به قانون بورسیه‌نشدن دختران مجرد، پاسخ‌گویان معتقد بودند دختری که ازدواج نکرده است به دلیل تجرد نباید از حق درس خواندن در خارج از کشور محروم شود. همچنین آن‌ها بر خلاف قانون، شرط جنسیت را برای انتخاب رشته در دانشگاه نپذیرفتند و معتقد بودند زنان نباید به سبب جنسیت در انتخاب رشته معذوریتی داشته باشند.

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

جدول ۳ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان پذیرش قوانین جنسیتی آموزشی

| درصد | میزان پذیرش قوانین جنسیتی آموزشی |
|-----------------------|----------------------------------|
| ۳۱/۸ | خیلی کم |
| ۲۶/۳ | کم |
| ۲۲/۳ | تاحدی کم |
| ۱۱/۱ | تاحدی زیاد |
| ۵/۰ | زیاد |
| ۳/۴ | خیلی زیاد |
| انحراف معیار: ۱/۲۸۳۳۹ | میانگین: ۲/۲۲۴۱ |

• میزان پذیرش قوانین جنسیتی قضایی: ۷۲/۲ درصد با قوانین جنسیتی کیفری مخالف و ۲۶/۲ درصد با آن موافق بودند. میانگین پذیرش نیز تاحدی کم است. از موارد مخالفت مربوط به قانونی است که طی آن اگر مردی زنی را به قتل برساند خانواده آن زن برای قصاص، باید نصف دیه آن مرد را بپردازد. مورد بعدی که پاسخ‌گویان با آن تاحدی موافق و مخالف بودند، مسئولیت سن کیفری است که از نظر قانون‌گذار نه سال برای دختر و پانزده سال برای پسر است. مورد بعدی مخالفت مربوط است به قانونی که ارزش شهادت مرد را بالاتر از زن می‌داند. مورد دیگر مربوط است به این نظر قانون‌گذار که احساساتی‌بودن زن را مانعی برای برابری ارزش شهادت زن و مرد می‌داند. همچنین پاسخ‌گویان با گویه‌ای که نان‌آور بودن مرد را عامل بالاتر بودن دیه او نسبت به زن می‌داند، مخالفت کردند. گویه‌ای که با آن موافقت شده بود، سخت‌گیری بیشتر در مورد حجاب زنان در مقایسه با مردان است.

جدول ۴ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان پذیرش قوانین جنسیتی قضایی

| درصد | میزان پذیرش قوانین جنسیتی قضایی |
|-----------------------|---------------------------------|
| ۱۰/۱ | خیلی کم |
| ۲۴/۴ | کم |
| ۳۷/۷ | تاحدی کم |
| ۱۶/۷ | تاحدی زیاد |
| ۹/۰ | زیاد |
| ۰/۵ | خیلی زیاد |
| انحراف معیار: ۱/۰۶۳۴۸ | میانگین: ۲/۷۸۹۸ |

• میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی: $61/5$ درصد پاسخ‌گویان پذیرش پایین و $38/2$ درصد پذیرش بالایی نسبت به هویت جنسیتی رسمی داشتند. میانگین پذیرش نیز تاحدی کم بود و نشان می‌داد پاسخ‌گویان تاحدی با این دسته از قوانین مخالف بودند. تفاوت میانگین لرها با ترک‌ها و کردها رابطه معناداری بوده است و تصادفی نیست. بالاترین میانگین پذیرش هویت جنسیتی در لرها با میانگین $113/3261$ و کمترین پذیرش در کردها با میانگین $100/9744$ است. بر مبنای آزمون t برای دو نمونه مستقل دریافتیم که تفاوت میانگین زنان و مردان معنادار بوده است و تصادفی نیست. مردان با میانگین $26/66168$ به نسبت زنان با میانگین $23/93685$ پذیرش بالاتری به هویت جنسیتی رسمی داشتند. همچنین شیعه‌ها با میانگین $107/0984$ به نسبت سنی‌ها با میانگین $99/9167$ ، به‌طور معناداری پذیرش بیشتری به هویت جنسیتی رسمی داشتند.

جدول ۵ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی

| درصد | میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی |
|-------------------------|------------------------------|
| ۱۱/۹ | خیلی کم |
| ۲۱/۰ | کم |
| ۲۸/۶ | تاحدی کم |
| ۲۵/۲ | تاحدی زیاد |
| ۱۰/۱ | زیاد |
| ۲/۹ | خیلی زیاد |
| انحراف معیار: $0/79402$ | میانگین: $3/1216$ |

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

جدول ۶ نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه: قومیت و میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی

| میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی | | | |
|------------------------------|---------|-------------|-------|
| ۱۰۰/۹۷۴۴ | کرد | متغیر مستقل | قومیت |
| ۱۰۵/۰۴۸۸ | ترک | | |
| ۱۱۳/۳۲۶۱ | لر | | |
| sig/۰۰۳ | F ۶/۰۴۵ | | |

جدول ۷ مقایسه تفاوت میانگین میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی زنان و مردان/ شیعه‌ها و

سنی‌ها با استفاده از آزمون t

| سطح معناداری | میانگین | جنسیت | متغیر وابسته |
|--------------|----------|-------|------------------------------|
| ۰/۰۰۱ | ۲۳/۹۳۶۸۵ | زن | میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی |
| | ۲۶/۶۶۱۶۸ | مرد | |
| ۰/۰۵۳ | ۱۰۷/۰۹۸۴ | شیعه | |
| | ۹۹/۹۱۶۷ | سنی | |

۳. توصیف متغیرهای مستقل (منابع غیرمادی و مادی هویت‌ساز)

• پای‌بندی دینی: ۳۵/۸ درصد پاسخ‌گویان پای‌بندی دینی پایین و ۶۴/۲ درصد پای‌بندی دینی بالایی داشتند. براساس میانگین، پاسخ‌گویان تاحدی پای‌بندی زیادی داشتند. کردها با میانگین ۵۵/۶۵۹۰ به‌طور معناداری کمترین پای‌بندی دینی و ترک‌ها با میانگین ۶۰/۷۳۸۴ بیشترین پای‌بندی دینی را داشتند. مردان نسبت به زنان به‌طور معناداری پای‌بندی دینی کمتر و شیعه‌ها نسبت به سنی‌ها پای‌بندی دینی بیشتری داشتند.

• احساس تعلق قومی: ۶۵/۰ درصد پاسخ‌گویان زیاد، ۲۱/۲ درصد تاحدودی و ۱۰/۶ درصد کم احساس تعلق قومی داشتند و ۱/۳ درصد اصلاً تعلق قومی نداشتند. براساس میانگین، پاسخ‌گویان احساس تعلق قومی تاحدی زیادی داشتند. ترک‌ها به‌طور معناداری کمترین تعلق قومی و کردها بیشترین تعلق قومی را داشتند. شیعه‌ها با میانگین ۳۰/۵۱۷۵

نسبت به سنی ها با میانگین ۳۳/۹۶۵۵ تعلق قومی کمتری دارند. این آمار تعلق قومی بیشتر کردها را نسبت به لرها و ترکها تأیید می کند.

• کلیشه های جنسیتی قومی: ۹۰/۹ درصد از پاسخ گویان وجود کلیشه های جنسیتی را در قومشان رد کرده اند؛ در حالی که ۱۰/۱ درصد موافق وجود این کلیشه ها در قومشان بودند. براساس میانگین، پاسخ گویان معتقدند کلیشه های جنسیتی قومی شان تا حدی کم است. میان سه قوم تفاوت میانگینی در این زمینه وجود نداشت. همچنین مردان با میانگین ۳۷/۸۹۶۴ نسبت به زنان با میانگین ۳۴/۸۲۳۲ به طور معناداری کلیشه های جنسیتی قومی بیشتری را در قومشان مشاهده کردند.

• استفاده از وسایل ارتباط جمعی: ۵۶/۷ درصد کم، ۲۶/۰ درصد تاحدی و ۱۱/۶ درصد زیاد از انواع رسانه استفاده می کنند و ۵/۶ درصد اصلاً از آن استفاده نمی کنند. بر مبنای میانگین، پاسخ گویان از وسایل ارتباط جمعی کمتر استفاده می کنند.

• تعامل قومی: ۲۰/۹ درصد پاسخ گویان زیاد، ۳۵/۵ درصد تاحدودی و ۳۹/۸ درصد به میزان کم تعامل قومی داشتند و ۳/۴ درصد اصلاً تعامل قومی نداشتند. براساس میانگین، پاسخ گویان تقریباً تاحدی تعامل قومی داشتند. ترکها با میانگین ۱۴/۲۱۳۷ به طور معناداری کمترین تعامل قومی و لرها با میانگین ۱۵/۵۰۵۳ بیشترین تعامل قومی را داشتند. شیعه ها با میانگین ۱۵/۱۱۳۹ نسبت به سنی ها با میانگین ۱۳/۸۵۰۰ تعامل قومی بیشتری داشتند.

• منابع مادی هویت ساز: از میان منابع مادی، ۸۷/۸ درصد زنان جامعه آماری خانه دار و ۹/۱ درصد شاغل بودند. همچنین ۶۵/۳ درصد مردان جامعه آماری شاغل و ۱۹/۹ درصد بازنشسته بودند. ۳/۷ درصد نیز بیکارند. از لحاظ سطح مالی ۱/۹ درصد وضعیت بسیار پایین، ۷/۷ درصد پایین، ۷۴/۸ درصد متوسط، ۱۰/۹ درصد بالا و ۵/۰ درصد وضعیت مالی بسیار بالا را اعلام کرده اند. در مجموع پاسخ گویان سطح مالی متوسطی داشتند.

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

آزمون فرضیه‌های تحقیق

جدول ۸ همبستگی پیرسون بین میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی با متغیرهای مستقل

| میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی | ابعاد | متغیرهای مستقل | |
|------------------------------|------------------------|-----------------------|-------------------|
| ۰/۵۴۷** | | پای‌بندی دینی | |
| ۰/۴۷۸** | عقیدتی فردی | ابعاد پای‌بندی دینی | |
| ۰/۶۵۱** | عقیدتی جنسیتی | | |
| ۰/۵۳۹** | عقیدتی سیاسی | | |
| ۰/۲۷۸* | مناسکی | | |
| ۰/۳۳۳** | | کلیشه‌های جنسیتی قومی | |
| -۰/۱۳۳* | | تعامل قومی | |
| -۰/۱۱۰* | | رسانه | |
| -۰/۰۲۴ | رسانه داخلی | ابعاد رسانه | |
| -۰/۰۱۱ | مجلات داخلی | | ابعاد رسانه داخلی |
| ۰/۰۱۹ | روزنامه‌های داخلی | | |
| ۰/۰۹۹ | تلویزیون | | |
| ۰/۰۶۴ | شبکه‌های رادیویی داخلی | | |
| -۰/۳۰۲* | رسانه‌های خارجی | | ابعاد رسانه خارجی |
| -۰/۳۵۷** | ماهواره | | |
| -۰/۲۲۴** | رادیوهای خارجی | | |
| -۰/۱۵۴ | فیلم غیرمجاز خارجی | | |
| -۰/۰۵۵ | اینترنت | | |
| ۰/۰۷۳ | | | تعلق قومی |
| ۰/۰۲۵ | رفتار قومی | | ابعاد تعلق قومی |
| ۰/۰۵۸ | نگرش به اقوام دیگر | | |
| ۰/۰۳۳ | بازشناسی قومی | | |
| ۰/۰۷۳ | آگاهی قومی | | |
| ۰/۸۴۸ | | وضع فعالیت پدر و مادر | |
| -۰/۱۱۹* | | تحصیلات پدر و مادر | |
| -۰/۰۴۳ | | وضعیت مالی خانواده | |

فرضیه اول منابع مادی و میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی: از میان منابع مادی هویت‌ساز، همبستگی تحصیلات پدر و مادر با متغیر وابسته منفی و معنادار بود؛ بنابراین هر چه بر تحصیلات پدر و مادر افزوده می‌شود، از میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی کاسته می‌شود. میان دیگر ابعاد منابع مادی با متغیر وابسته رابطه معناداری وجود نداشت.

فرضیه دوم پای‌بندی دینی و هویت جنسیتی رسمی: میزان پای‌بندی دینی با میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه مثبت و قوی داشت؛ بنابراین هرچه بر میزان پای‌بندی دینی افزوده می‌شود، پذیرش هویت جنسیتی رسمی نیز بالا می‌رود. به این ترتیب فرضیه مقاله مبنی بر رابطه این دو متغیر تأیید می‌شود. با کنترل متغیر قومیت به این نتیجه رسیدیم که پای‌بندی دینی در اقوام یکی از دلایل پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی رسمی در آن‌هاست. همچنین شدت رابطه پای‌بندی دینی کردها با متغیر وابسته از دو قوم دیگر بیشتر است. تأثیر پای‌بندی دینی در لرها بر میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی از همه ضعیف‌تر بود. همچنین با کنترل متغیر جنسیت به این نتیجه رسیدیم که در زنان و مردان، پای‌بندی دینی عامل معناداری در پذیرش هویت جنسیتی رسمی بوده است؛ بنابراین زنان و مردانی که پای‌بندی دینی بیشتری داشتند، هویت جنسیتی رسمی را بیشتر پذیرفته‌اند. همچنین کنترل متغیر مذهب نشان داد پای‌بندی دینی در شیعه و سنی با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه معناداری دارد؛ به این معنا که هر چه پای‌بندی دینی در شیعه‌ها و سنی‌ها بالاتر باشد، بر پذیرش هویت جنسیت رسمی در آن‌ها نیز افزوده می‌شود.

فرضیه سوم کلیشه‌های جنسیتی قومی و میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی: کلیشه‌های جنسیتی قومی با متغیر وابسته رابطه مثبت، متوسط و معنادار داشت؛ بنابراین هر چقدر کلیشه‌های جنسیتی قومی بیشتری وجود داشته باشد، افراد پذیرش بالاتری به هویت جنسیتی رسمی دارند. با کنترل متغیر قومیت دریافتیم وجود کلیشه‌های جنسیتی در اقوام با پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه معنادار دارد. کلیشه‌های جنسیتی در کردها با پذیرش هویت جنسیتی رسمی نسبت به دو قوم دیگر رابطه شدیدتری دارد. همچنین همبستگی کلیشه‌های جنسیتی در ترک‌ها با میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی از همه ضعیف‌تر است. با کنترل متغیر جنسیت به این نتیجه رسیدیم که در زنان و مردان احساس وجود کلیشه‌های جنسیتی قومی در پذیرش هویت جنسیتی رسمی، عامل معنادار و تأثیرگذاری بوده است؛

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجب‌لو و همکاران

بنابراین می‌توان گفت در زنان و مردانی که کلیشه‌های جنسیتی بیشتری را در قومشان احساس کرده‌اند، پذیرش هویت جنسیتی رسمی نیز بیشتر بوده است.

فرضیه چهارم تعلق قومی و میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی: رابطه میان میزان تعلقات قومی با متغیر وابسته بی‌معنا بود؛ بنابراین فرضیه مقاله درباره رابطه دو متغیر یادشده تأیید نمی‌شود. با کنترل متغیر قومیت، میان تعلق قومی سه قوم با پذیرش هویت جنسیتی رسمی در آن‌ها رابطه معناداری وجود نداشت؛ در نتیجه تفاوت در تعلق قومی در سه قوم، در میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی رسمی تغییری ایجاد نمی‌کند. کنترل متغیر مذهب نیز نشان داد تعلق قومی نه در سنی‌ها و نه شیعه‌ها رابطه معناداری با پذیرش هویت جنسیتی رسمی نداشته است.

فرضیه پنجم تعامل قومی و میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی: رابطه تعامل قومی با متغیر وابسته معنادار و معکوس بود؛ به این معنا که هر چه بر تعاملات قومی افزوده می‌شود به همان میزان از پذیرش هویت جنسیتی رسمی کم می‌شود. با کنترل قومیت به این نتیجه رسیدیم فقط در قوم کرد، تعامل قومی عاملی در جهت پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی رسمی بود؛ بنابراین آن دسته از کردهایی که تعامل قومی کمتری داشتند، توافق بیشتری نیز با هویت جنسیتی رسمی داشتند.

فرضیه ششم وسایل ارتباط جمعی و میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی: متغیر مستقل رسانه با متغیر وابسته رابطه منفی و معنادار داشت و نشان داد هرچه میزان استفاده از رسانه بیشتر می‌شود، از میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی کاسته می‌شود. میان کاربرد وسایل ارتباط جمعی در اقوام با پذیرش هویت جنسیتی رسمی رابطه معناداری وجود ندارد؛ در نتیجه استفاده از وسایل ارتباط جمعی در سه قوم در میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی رسمی تغییری ایجاد نمی‌کند.

سهم متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته

تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل و زمینه‌ای با میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی در مجموع، ۰/۴۹۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط چهار متغیر پای‌بندی دینی، کلیشه‌های جنسیتی قومی، جنسیت و مذهب تبیین شده و بقیه تغییرات به متغیرهایی مربوط

است که در این بررسی در نظر گرفته نشده است. به طور کلی، پای‌بندی دینی بیش از سایر متغیرها در پذیرش هویت جنسیتی رسمی نقش دارد و با افزایش هر واحد به آن، حدود ۰/۵۳۶ بر این پذیرش اضافه می‌شود. کلیشه‌های جنسیتی قومی با بتای ۰/۲۲۷ نشان می‌دهد به‌ازای یک واحد افزایش در کلیشه‌های جنسیتی قومی ۰/۲۲۷ بر میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی افزوده می‌شود. جنسیت با بتای ۰/۳۵۴ نشان می‌دهد مردان نسبت به زنان ۰/۳۵۴ بیشتر هویت جنسیتی رسمی را می‌پذیرند. مذهب با بتای ۰/۰۷۹- گویای این است که به‌ازای یک واحد افزایش در مذهب ۰/۰۷۹- از میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی کاسته می‌شود؛ به این معنا که سنی‌ها نسبت به شیعه‌ها ۰/۰۷۹- کمتر هویت جنسیتی رسمی را می‌پذیرند.

تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل با میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی

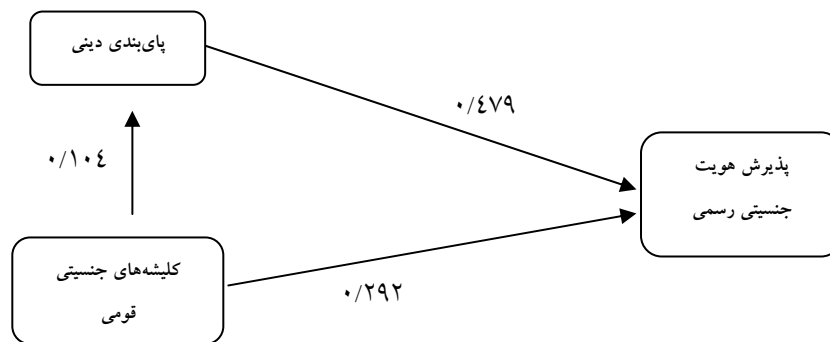
جدول ۹ نتایج نهایی رگرسیون میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی و متغیرهای مستقل

| Sig | t | beta | متغیرهای مستقل |
|-------|-----------|----------|---|
| | ۵/۱۶۲ | | مقدار ثابت |
| ۰/۰۰۰ | ۱۱/۲۴۶ | ۰/۴۷۹ | میزان پای‌بندی دینی |
| ۰/۰۰۰ | ۶/۸۵۶ | ۰/۲۹۲ | کلیشه‌های جنسیتی قومی |
| | Sig ۰/۰۰۰ | F ۹۴/۸۸۹ | نتایج تحلیل واریانس (ANOVA) |
| | | ۰/۵۸۴ | R |
| | | ۰/۳۴۱ | ضریب تعیین (R ²) |
| | | ۰/۳۳۸ | ضریب تعیین تعدیل‌شده (adjusted R ²) |

۰/۳۴۱ از تغییرات متغیر وابسته توسط دو متغیر میزان پای‌بندی دینی و کلیشه‌های جنسیتی قومی تبیین شده و بقیه تغییرات مربوط به متغیرهایی است که در این بررسی در نظر گرفته نشده است. پای‌بندی دینی با ضریب بتای ۰/۴۷۹ بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارد و نشان می‌دهد با هر واحد افزایش در میزان پای‌بندی دینی ۰/۴۷۹ بر میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی افزوده می‌شود. کلیشه‌های جنسیتی قومی نیز ۰/۲۹۲ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد و گویای این است که با هر واحد افزایش در میزان کلیشه‌های

میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... علی رجبلو و همکاران

جنسیتی قومی ۰/۲۹۲ بر میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی افزوده می‌شود. همچنین کلیشه‌های جنسیتی قومی به صورت غیرمستقیم از طریق پای‌بندی دینی بر پذیرش هویت جنسیتی رسمی تأثیرگذار است.



شکل ۲ تحلیل مسیر متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی پاسخ‌گویان تاحدی با قوانین جنسیتی رسمی مخالف بودند. از میان این سه قوم، میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی در کردها کمتر و در لرها بیشتر بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچه پای‌بندی دینی افراد بیشتر می‌شود، پذیرش بالاتری به هویت جنسیتی رسمی در آن‌ها به وجود می‌آید. تحلیل داده‌ها هیچ رابطه معناداری میان تعلق قومی و پذیرش هویت جنسیتی رسمی را نشان نمی‌دهد و با اینکه تعلق قومی در کردها بیش از دو قوم دیگر است، این مسئله هیچ رابطه‌ای با پذیرش قوانین جنسیتی رسمی ندارد. براساس یافته‌ها، هر چه بر تعاملات قومی، تحصیلات پدر و مادر و استفاده از وسایل ارتباط جمعی افزوده می‌شود، از پذیرش هویت جنسیتی رسمی کاسته می‌شود. همچنین هر چه بر کلیشه‌های جنسیتی افزوده می‌شود، پذیرش هویت جنسیتی رسمی نیز بیشتر می‌شود. رابطه مثبت میان این دو می‌تواند حاکی از این باشد که کلیشه‌های جنسیتی قومی در این سه قوم تاحدی موافق با مفاد قوانین جنسیتی و همسو با آن است و با نگرش رسمی تفاوت چندانی ندارد. از میان منابع هویت‌ساز، کلیشه‌های جنسیتی قومی و پای‌بندی دینی و از میان متغیرهای زمینه‌ای مذهب و جنسیت

میزان پذیرش هویت جنسیتی رسمی را در اقوام تبیین می‌کنند. پای‌بندی دینی بیش از متغیرهای دیگر قابلیت تأثیرگذاری و تبیین پذیرش هویت جنسیتی رسمی را دارد؛ بنابراین پای‌بندی دینی در زنان و مردان، شیعه و سنی، و میان سه قوم مهم‌ترین عاملی است که میزان پذیرش قوانین و هویت جنسیتی رسمی را در آن‌ها تبیین می‌کند. شاید بتوان آن را این‌گونه تبیین کرد که منشأ دینی داشتن بسیاری از قوانین از جمله قوانین جنسیتی در ایران، به دلیل ساختار مذهبی جامعه، بر میزان پذیرش آن‌ها تأثیر زیادی داشته است. همچنین کلیشه‌های جنسیتی قومی یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های پذیرش هویت جنسیتی رسمی است. این یافته نشان می‌دهد احساس پایین وجود کلیشه‌های جنسیتی قومی در جامعه آماری یکی از عوامل مؤثر در موافقت کمتر آن‌ها با هویت جنسیتی رسمی است و از سویی زنان به دلیل اینکه کلیشه‌های جنسیتی قومی کمتری را در قومشان مشاهده می‌کنند، هویت جنسیتی رسمی را نیز کمتر می‌پذیرند.

منابع

- آزاده، منصوره اعظم. (۱۳۸۴). «آگاهی از نابرابری‌های جنسیتی: مدلی برای سنجش میزان شناخت از نابرابری‌های جنسیتی». *پژوهش زنان*. دوره ۳، ش ۲.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۹). *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- ضمیران، محمد. (۱۳۷۸). *دانش و قدرت*. تهران: هرمس.
- فوکو، میشل. (۱۳۸۳). *اراده به دانستن*. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ* (قدرت هویت). ترجمه حسن چاوشیان. ج ۲. تهران: طرح نو.
- گیبینز، جان آر بوریمر. (۱۳۸۱). *سیاست پست‌مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر*. ترجمه منصور انصاری. تهران: گام نو.

- میزان پذیرش یا عدم پذیرش هویت جنسیتی ... _____ علی رجبلو و همکاران
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*. با همکاری کارن بردسال. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
 - محمدی، سیده عقیده. (۱۳۸۵). *بررسی عوامل مؤثر بر نگرش مادران و دختران به هویت جنسیتی خویش*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء تهران.
 - مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۱). *از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم*. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
 - ملک‌پور، علی. (۱۳۸۰). *تعارض فرهنگی دولت و ملت در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)*. تهران: آزاداندیشان.
 - نجم عراقی، رویا. (۱۳۸۳). *بررسی مناسبات قدرت و جنسیت در نظام جمهوری اسلامی ایران* (با تأکید بر کردارهای جنسیتی غیر رسمی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء تهران.